



علی بن حسین(ع)، پناه اهل مدینه / صحیفه سجاده دوره کاملی از معارف توحیدی

در ماجرای واقعه حرّه که شامیان به مدینه هجوم بردند بسیاری از خانواده‌ها، همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد(ع) فرستادند و از آن حضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدینه به دست سپاه شام، در امنیت و سلامت به سر می‌بردند و از تعرّض شامیان در امان بودند.

در ماجرای واقعه حرّه که شامیان به مدینه هجوم بردند بسیاری از خانواده‌ها، همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد(ع) فرستادند و از آن حضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدینه به دست سپاه شام، در امنیت و سلامت به سر می‌بردند و از تعرّض شامیان در امان بودند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: امام باقر (ع) می‌فرماید: پدرم علی بن الحسین (ع) هرگز نعمتی از خدا را یاد نمی‌کردند مگر آن‌که برای شکر آن نعمت، خدا را سجد می‌کردند، ... و نیز هر گاه حق تعالی شری را از ایشان دفع می‌کرد که از آن بیم داشتند و یا مکر مکر کننده‌ها را دور می‌گرداند سجد می‌نمودند و همچنین بعد از فارغ شدن از نماز واجب و یا اصلاح میان دو کس برای شکر این توفیق سجد می‌کردند و در جمیع مواضع، سجود آن حضرت به چشم می‌خورد و به این سبب آن حضرت را «سجّاد» می‌گفتند.

زینت پرستندگان

امام سجاد(ع) در امر عبادت و مناجات با حضرت حق از همگان پیشی گرفته بود، چندان که مورد سوال و حتی اعتراض خاندان و یاران خویش قرار می‌گرفت. در هنگام ادای فریضه نماز، چنان خوف خدا سراسر وجودش را فرا می‌گرفت که تمام اعضای بدنش می‌لرزید و چون وارد نماز می‌شد چنان خشک و بی‌حرکت می‌ایستاد که جز آنچه باد از لباسشان تکان می‌داد دیگر حرکتی از او مشاهده نمی‌شد. امام باقر(ع) عبادت پدرشان را چنین توصیف می‌کنند: «پدرم در نماز قیامی داشتند چون قیام بنده‌ای ذلیل در پیشگاه سلطانی با شکوه و با هیبت و نماز او چنان می‌نمود که نماز وداع است و گویی برای همیشه با آن خداحافظی می‌کند».

صدقات پنهانی

بسیاری از خانواده‌های محروم و نیازمند مدینه، شبانگاه از لطف و بخشش مردی ناشناس بهره‌مند می‌شدند که هرگز او را نشناختند مگر زمانی که علی بن الحسین(ع) در گذشت. پس از آن بود که آن مرد ناشناس دیگر به سراغ آنان نیامد و دانستند آن امدادگر ناشناس، حضرت زین العابدین(ع) است. ژهری یکی از معاصران می‌گوید: «شب‌ی سرد و بارانی، علی بن الحسین(ع) را دیدم که آرد و هیزم بر پشت داشت و آن را برای فقیران می‌برد. گفتم: ای پسر رسول خدا، این چیست؟ حضرت فرمودند: سفری در پیش دارم و توشه آن را آماده کرده‌ام تا در جای امنی بگذارم. به امام گفتم: اجازه دهید من آن بار را حمل کنم؛ چراکه شأن شما بالاتر از این است، حضرت قبول نکردند و سپس فرمودند: من شأن خود را از حمل باری که در سفر از هلاک شدن نجاتم دهد و ورودم به مقصد را نیکو گرداند، برتر نمی‌دانم».

نشانه‌های شیعه

امام سجاد(ع) در ضمن فرمایشاتی نشانه‌های شیعه بودن را این گونه بیان می‌فرماید: «شیعیان ما، با آثار عبادت و نیز سادگی و بی‌آلایشی در زندگی شناخته می‌شوند. در چهره‌های آنان آثار عبادت نمایان است... هنگامی که همه ساکت و خاموشند، آنان در تقدیس و تسبیح خدایند و آنگاه که همه خوابند، آنها به نماز و نیایش پروردگار می‌پردازند و آن وقت که دیگران در سرور و خوشی‌های زودگذر غرق می‌شوند، آنان در فکر اندیشه‌های درخشان و اصیل انسانی به سر می‌برند».

مناجات در کنار کعبه

اَصْمَعی یکی از اصحاب امام سجاد (ع) می‌گوید: «در شبی مهتابی اطراف خانه خدا طواف می‌کردم. صدای زیبا و غم‌انگیزی گوش مرا نوازش داد. به دنبال صاحب صدا رفتم تا این‌که جوانی را دیدم که دست در پرده خانه کعبه افکنده و چنین مناجات می‌کند: ای پروردگار من، چشم‌های بندگان در خواب فرو رفته و ستارگان آسمان یکی پس از دیگری سر به افق مغرب گذاشته و از دیده‌ها پنهان گردیده و تو خداوند زنده و قیومی هستی که هرگز خواب تو را فرا نمی‌گیرد. در این شب پادشاهان در قصرهای خود را بسته و نگهبان گمارده‌اند و تنها دری که برای نیازمندان گشوده است در خانه توست و من اکنون، با تهی دستی

به درگاه تو امید بسته‌ام...». اِصمعی گوید: «آن قدر این جوان مناجات کرد که بی‌هوش شد و به روی زمین افتاد. چون نزدیک او رفتم و به دقت به صورتش خیره شدم، متوجه شدم او زین العابدین(ع) است».

پادشاهی عبدالملک

دوران امامت امام سجاد(ع) بیشتر مصادف با دوره خلافت عبدالملک بن مروان بوده است. عبدالملک نخستین کسی بود که به صورت رسمی از فریضه امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری کرد. او پس از کشتن عبدالله زبیر در یک سخنرانی عمومی گفت: هر کس مرا به تقوا دعوت کند، او را گردن می‌زنم! و بدین وسیله مردم را به خفقانی عمیق دعوت نمود. او برای اختناق بیشتر به قتل و غارت مردم می‌پرداخت. امام سجاد(ع) در عصر حکومت عبدالملک در تنگنای فشارهای امنیتی، دوران سختی را گذراندند.

افشای چهره امویان

واقعه کربلا از چهره پلید امویان پرده برداشت. اهل بیت (علیهم السلام) و در رأس آنان امام زین العابدین(ع) به عنوان پیام رسانان عاشورا نقش زیادی در شناساندن چهره پلید امویان به جامعه اسلامی داشتند. خطبه‌های امام سجاد(ع) در کوفه و شام و مدینه و مبارزات پی‌گیر آن حضرت در دوران حیاتشان بیشترین اثر را در این زمینه داشت.

تبیین مبانی اعتقادی و فرهنگی شیعه

با توجه به جوّ خفقانی که از سوی دستگاه اموی در جامعه به وجود آمده بود، امام سجاد(ع) نمی‌توانست اقدام صریحی علیه نظام کند ولی از آن جا که امام هم باید مردم جامعه را هدایت و ارشاد نماید و جلوی تحریفات اسلام را بگیرد، در عرصه دعا وارد مبارزه شد. دعا‌های امام در عین این‌که حرکتی اخلاقی بود مبارزه‌ای آرام ولی ریشه کن کننده با دشمن به شمار می‌رفت. بنابراین مجموعه گران سنگ صحیفه سجاده - که در حقیقت دوره کاملی از معارف توحیدی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است - از امام بر جای ماند و چراغ هدایتی برای انسان‌ها و نسل‌های آینده بود. هم چنین رساله‌ای در حقوق و مواظ و سخنانی در تفسیر قرآن از ایشان به یادگار مانده است.

پناهگاه اهل مدینه

در ماجرای واقعه حرّه که شامیان به مدینه هجوم بردند بسیاری از خانواده‌ها، همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد(ع) فرستادند و از آن حضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدینه به دست سپاه شام، در امنیت و سلامت به سر می‌بردند و از تعرض شامیان در امان بودند. در برخی از منابع آمده است که زمانی که سپاه یزید قصد مدینه کرد تا جان و مال و ناموس اهل مدینه را مورد تعرض قرار دهد، علی بن الحسین(ع) چهارصد تن را در میان خانه خود پناه داد و تا زمان برگشت سپاه و خروج آنها از مدینه از این چهارصد نفر پذیرایی می‌کرد.

انگیزه‌های قتل امام

دستگاه اموی با گذشت زمان به شیوه‌های مبارزاتی امام سجاد(ع) پی برد و دریافت که ادامه حیات امام با شرایط و اوضاع زمامداری آنها نمی‌سازد. لذا تصمیم به قتل حضرت گرفتند. به طور کلی می‌توان چهار عامل مهم را انگیزه دستگاه حاکم از قتل امام برشمرد:

1. وسعت نفوذ امام. در طول 35 سال بعد از واقعه کربلا. امام از طریق دعاها و نشر معارف اسلامی به تدریج توانست یاران‌شان را منسجم کند و آگاهی‌های لازم را به آنها بدهند که این خطر بزرگی برای دشمن به حساب می‌آمد.
2. بغض و حسادت. عبدالملک، هشام و ولید و حتی جمعی از بزرگان بنی امیه به امام سجاد(ع) حسادت می‌ورزیدند؛ چرا که مردم از روی فهم و درایت به امام عرض ارادت می‌کردند.
3. افشاگری. امام سجاد(ع) در فرصت‌های بسیار و از داستان شهادت پدر و اسارت و مظلومیت خود و خاندانش سخن‌ها می‌گفت که این خود نوعی افشاگری رسمی علیه ظلم بنی امیه بود.
4. ترس از قیام. دستگاه خلافت تصوّر می‌کرد که اگر امام علمی بلند کند به‌خاطر محبوبیت و نفوذ معنوی آن حضرت حتی کسانی که دوست اهل بیت هم نیستند زیر آن پرچم جمع می‌شوند و قیامی بزرگ علیه حکومت آنان به وجود خواهد آمد.

شهادت

حضرت سید الساجدین پس از گذراندن یک عمر پربرت که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام واقع شد از ویژگی‌های مهمی در بین مردم برخوردار شده بود. چراکه فضایل و مکارم اخلاقی آن حضرت در هر مجلس و محفلی بیان می‌شد و در یک کلام امام در دل‌ها و عواطف مردم جا گرفته بود. این وضع بر امویان دشوار بود و آنها را می‌رنجاند و از همه کس بیشتر ولید بن عبدالملک کینه امام را در دل داشت. او بارها می‌گفت: «من تا وقتی که علی بن الحسین در دنیا باشد راحت نیستم». این بود که وقتی زمام سلطنت را به دست گرفت تصمیم گرفت امام را مسموم کند. لذا زهر کشنده‌ای برای کارگزارش در مدینه فرستاد و به او دستور داد تا این زهر را به امام بخوراند و آن نانجیب نیز دستور ولید را عملی کرد. زهر در بدن نازنین امام کارگر شد و بدین وسیله حضرت در سن 57 سالگی در مدینه به شهادت رسید.

تشییع پیکر امام

پیکر پاک امام سجاد(ع) را در شهر مدینه تشییع کردند. در آن شهر از پیکر امام تشییع بی‌نظیری صورت گرفت. توده‌های مردم از مناطق مختلف بر جنازه حضرت حاضر شدند و همگی پریشان و گریان و دل شکسته جنازه مطهر حضرت را بر دوش می‌بردند. بدن مطهر حضرت سجاد(ع) را به قبرستان بقیع بردند و در قبری که در کنار قبر عمویش امام حسن مجتبی(ع) آماده ساخته بودند به خاک سپردند.

امام از منظر علمای اهل تسنن

دَهَبی یکی از بزرگان اهل سنت درباره امام سجاد می‌نویسد: «برای ایشان جلالت عجیبی بود و ایشان به سبب شرافت و سیادت و قدرت و همچنین به دلیل علم و اهلیت و کمال عقلش هر آینه برای امامت شایسته است». جاحظ که یکی از دانشمندان به نام اهل تسنن است نیز می‌گوید: «مردم با همه اختلاف مذاهبشان در مورد ایشان دارای وحدت نظر بودند و هیچ کس در تدبیر او تردید نداشت و احدی در تقدیم او بر دیگران در همه زمینه‌ها شک نداشت» و مهم‌تر از همه شافعی که خود یکی از پیشوایان چهارگانه اهل تسنن است می‌گوید: «همانا علی بن الحسین فقیه‌ترین اهل بیت است».

شاگردان مکتب امام

حضرت سجاد(ع) در مدت 35 سال امامت خود، افراد زیادی را تربیت کردند و برای تداوم مکتب اسلام ناب محمدی، توانستند آنان را از هر جهت آماده کنند که از آن جمله ثابت بن دنیا، معروف به ابوحمزہ ثمالی است و همچنین می‌توان به ابُوخالد کابلی، یحیی بن اُم الطویل، سعید بن جبیر - که از نظر مقام علمی جایگاه رفیعی داشت - اشاره کرد. این افراد جملگی از ممتازترین اصحاب و یاران امام سجاد(ع) بودند که همچون ستاره‌های درخشانی در آسمان علم و معرفت درخشیدند و پرتو افشانی کردند.

سخنان کوتاه از امام سجاد

سه چیز نجات بخش مؤمن است: این که زبانش را از غیبت مردم باز دارد، خود را به چیزی مشغول کند که در دنیا و آخرت او را سود دهد و بر گناهان، بسیار گریه کند.
نگاه محبت‌آمیز مؤمن به صورت برادر ایمانی خود، عبادت است.
نشان معرفت (خداشناسی) و کمال دین مسلمان، ترک سخنان بیهوده، کمتر جدل کردن، و بردباری و خوش خویی است.
مبادا به گناهی که می‌کنی شادمان شوی که شادمانی به گناه، بدتر از ارتکاب آن است.
در شگفتم از آن کسی که از طعام از ترس زیان آن می‌پرهیزد، اما از گناه به سبب زشتی آن نمی‌پرهیزد.
همه خیر در این است که انسان خود را (از آلودگی‌ها) ننگه دارد.
شرافت در فروتنی، و عزت در پرهیزگاری، و بی‌نیازی در قناعت است.
اگر مردم بدانند که در طلب علم چه فوایدی است، آن را می‌طلبند، اگر چه با ریختن خون دل و فرو فتن در گرداب‌ها باشد.
هر کس خود را گرامی داند، دنیا نزد او خوار است.